

«دیوار انسانی مادران»

فاز دیگری از پیشروی

امان کفا

این هفته خبر شکل گیری دیوار انسانی مادران در دفاع از معترضین در مقابل پلیس فدرال که به دستور ترامپ به ایالات های آمریکا گسیل شده اند، یکی دیگر از این نمونه های گستردگی و عمق اعتراض به تبعیض و همزمان حضور دستگاه سرکوب در این کشور را به نمایش گذاشت. اعتراضاتی که در طی دو ماه اخیر، به شرکت بیش از ۲۰ میلیون نفر در اعتراضات علیه تبعیض و نابرابری حاکم در آمریکا انجامیده است.



... صفحه ۲

حق مسکن دستمزدها:

جمهوری اسلامی خود را مسخره کرده است!

مصطفی اسدپور

چیزی جز دستمزد کار خویش برای زنده ماندن ندارند، از طرف دیگر؛ سر و کار هر فرد ناظر را با مپنیسم و گردن کلفتی کوچه بازاری می اندازد. سخره و فکاهی به کنار، این پدیده را باید از نوبرهای استعماری و در تحقیر و دست جمعی و کور بخشی از جامعه به صرف «نژاد» کارگری قربانیان آن نگریست؛ و مسببن دولتی و حکومتی را به جرم شراکت در کشتار تدریجی توده ای به ننگ تاریخ سپرد. ... صفحه ۲

مقوله حق مسکن در دستمزد کارگران در ایران یک فکاهی تمام عیار در عرصه حقوق و مناسبات شهروندی و پایه های تمدن است. جمهوری اسلامی خود را مسخره کرده است. در یک نگاه سرسری به سه کلمه «حق»، «مسکن» و «دستمزد» از یک طرف؛ و نمایش پست و فرومایه ابواب جمعی یک حکومت برای بالا کشیدن یک پول سیاه از جیب بی حق ترین و بی مسکن ترین مردمانی که از فرط شرافت

تاریخ مصرف عید قربان تمام شد!

تاسوعا و عاشورا عاقبت بهتری ندارد!

ثریا شهبازی

حسن روحانی یک ماه مانده به مراسم شنیع و غیرانسانی تاسوعا و عاشورا، مشغول «تیله بازی» با یکی دیگر از نمایشات حکومتی است، تا رئیس جمهور مملکت را سرگرم حکومت داری نشان دهد! او با ابراز وجود در قامت یکی از شخصیت های تندرو مذهبی، بعنوان «رئیس جمهور» و «فرمانده کل ستاد مقابله با کرونا» اعلام فرمودند که مراسم عزاداری تاسوعا و عاشورا، و باوجود کشتار افسار گسیخته کرونا از مردم گرفتار و اسیر دست حکومت ایشان، حتما بی برو برگرد باید «با عظمت و شکوه» برگزار شود! بدنبال این «فرمان حکومتی» عده ای از حواریون حکومتی در طیف معمم و مکلا در مجلس و وزارتخانه ها و حجره های اسلامی، مشغول پاس و پاس کاری به هم، برخی مشغول هشدار و ابراز نگرانی و برخی مشغول موعظه های مذهبی شدند.

یکی می گوید باید برگزار شود، دیگری می فرماید عزاداری تاسوعا و عاشورا از «متسجبات» است و نه «واجبات» و در این شرایط «خطرناک است» و برگزار نشدن آن «ایراد شرعی» ندارد! در این میان اظهارات «حجت الاسلام مجید نصیری» سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی جالب توجه است که به خبرگزاری ایسنا می گوید که:

«باید به این مهم نیز توجه کنیم که ما هر چه داریم و نداریم از همین روزه ها و ماه محرم و عاشورا است، این مباحث موضوعی نیست که شخصی بخواهد با آن ساده برخورد کند و به راحتی بگویند نماز جمعه تعطیل شد هیئت عزاداری و محرم را هم تعطیل می کنیم».

... صفحه ۳

هفت تپه ، رویداد قرن!

مظفر محمدی

یک ماه و نیم اعتصاب با شکوه هفت تپه تا کنون، سنت و تجارب گرانبهایی به طبقه کارگر افزوده است. مبارزه قدرتمند کارگران هفت تپه در تاریخ یک قرن اخیر مبارزه طبقاتی در ایران پس از اعتصاب کارگران نفت در بهمن ۵۷ و فشردن گلوله رژیم سلطنت، به حق یک رویداد مهم قرن است.

اعتصاب طولانی مدت، حفظ وحدت صفوف کارگران، حفظ امنیت رهبران و نمایندگان و سخنگویان، جلب حمایت مردم شهر شوش، خنثی کردن تلاش های ضد کارگری بیرون و درون کارگران، به چالش کشیدن کل سیستم دولت سرمایه داران از مجلس و قوه قضائیه تا دولت و مقامات محلی... از دستاوردهای بسیار گرانبهای هفت تپه و تاثیر اجتماعی آن بر طبقه کارگر ایران و کل جامعه غیر قابل انکار است. بدون شک قلب طبقه کارگر و زحمتکشان و محرومان در سراسر ایران با قلب هفت تپه ای ها می زند.

سکوت دولت و نهادهایش در قبال خواستهای بر حق کارگران، نشانه ی خونوردی و بی اهمیت جلوه دادن مبارزه هفت تپه و یا نشان قدرت و استحکام نظام سرمایه داران نیست. برعکس نشانه آچمز و لال مانی گرفتن کل حاکمیت در مقابل اتحاد قدرتمند هفت تپه است.

اعتصاب قدرتمند هفت تپه، قلب اقتصاد بازار آزاد و رها کردن جامعه در دستان حریص سرمایه داری خصوصی و شانه خالی کردن دولت از زیر بار مسئولیت دستمزدها، رفاه، معیشت و بهداشت و درمان و آموزش را نشانه گرفته است.

دولت سرمایه داران در ایران می فهمد با حتی یک قدم عقب نشینی از پروژه ی خصوصی سازی ها، فردا با جامعه ای روبرو خواهد شد که از گوشه و کنارش فریادهای اعتراض اجتماعی به خصوصی و کالایی شدن نیازمندیهای عمومی و اساسی جامعه از قبیل بهداشت، آموزش، حمل و نقل، درمان و بیمارستان ها بلند خواهد شد. نیازهایی که بورژوازی بجای واگذاری به سرمایه داران و بازار، می بایست بطور رایگان در اختیار جامعه قرار دهد.

با هر چه بیشتر سپردن زندگی کارگران و زحمتکشان و بینوایان در دستان حریص و سیری ناپذیر سرمایه داران و تجار و بازار بی رحم، دولت حراست و پلیس طبقات دارا شرایط فلاکتبارتری را به اکثریت عظیم زحمتکشان و محرومان جامعه تحمیل کرده و طبقه کارگر را تمام و کمال به اسارت سرمایه داران در میاورد. شرایطی که طی آن، طبقه ای که اختیار تعیین دستمزد، قرارداد دایم کار، بیمه بیکاری و دیگر مزایای کار را ندارد و حتی همان دستمزد ناچیز را که خود سرمایه داران بدون دخالت کارگران تعیین کرده اند، موقوف و سر ماه دریافت نمی کنند، را تحت فشار بیشتری قرار می دهد.

هفت تپه یک گردان در صف مقدم لشکر طبقه کارگر در دفاع از زندگی و علیه تعرض سرمایه داران و دولت به سطح معیشت کارگران و دیگر حقوق بگیران و همه ی زحمتکشان است. طبقه کارگر در همه مراکز بزرگ و کوچک کار می بایست به مثابه یک نیروی عظیم پشتیبان و یک ستون محکم حامی همسرنوشتان خود در هفت تپه بایستند. پیروزی اعتصاب بزرگ هفت تپه یک گام پیشروی کل طبقه کارگر است. طبقه کارگر بحق قدر و ارزش مبارزه، مقاومت و پایداری هفت تپه را می داند و به آن ارج می گذارد.

اعتصاب با شکوه هفت تپه ای ها، جدا از دستیابی به مطالبات خود، درس و دستاورد تاریخی بزرگی را در مبارزه طبقه کارگر ایران علیه سرمایه داران و کارفرماها به ثبت رسانیده و نسیم عدالتخواهی و برابری طبلی کارگریش مرزهای کشوری را در نور دیده است.

۸ مرداد ۹۹ (۲۹ ژوئیه ۲۰۲۰)

آزادی برابری حکومت کارگری

تنها طبق یک گزارش از واشنگتن پست، این اعتراضات شصت میلیون نفر در بیش از ۲۰۰ شهر در گوشه و کنار آمریکا را با تجربه حکومت نظامی مواجه کرده است. علیرغم سرکوب وسیع و حضور گسترده پلیس و نیروهای نظامی، اعتراضات همچنان ۵۰ ایالت را در بر گرفته است و ادامه یافته است. اعتراضاتی که هر بار به شکلی از پشت پرده سانسور عمومی میدیای رسمی درز می کند و خواست عمومی پایان دادن به این شرایط را به شکلی دیگر بیان می کند. دیوار انسانی مادران که از پورتلند در ایالت اورگان شروع شد، به سرعت به شکل اعتراض مادران با جامه های زرد رنگ، به شهرهای دیگر رسید و باز تکثیر شد. فراتر از این، دیوار انسانی این مادران از مرزهای آمریکا خارج شد و به سمبل دفاع مادران معترضین جوان در مقابل باتوم بدستان نظامی در تظاهرات های اخیر علیه تانکهاو در اسرائیل نیز سربلند کرد.

آنچه که این دیوار انسانی را حائز اهمیت و به خیر روز تبدیل کرده است در این نیست که گویا مادران نیز به صفوف معترضین پیوسته اند. چه بسا که مادران زیادی همواره در این اعتراضات حضور داشته اند. فراتر اینکه سنت شرکت مادران سابقه ای طولانی تر از آرژانتین و شیلی تا سرلانکا و هند، و یا اعتراضات اخیر در اسپانیا و ایتالیا را با تاریخ خود دارد. علاوه بر این اهمیت آن، بر خلاف تصویر ارائه شده از جانب میدیای رسمی، در این نیست که گویا اینبار مادران سفید پوست دست به اعتراض به تبعیض نژادی ساختاری شده در آمریکا، زده اند، اعتراضی که همواره نه مختص بخش «سیاه پوست» جامعه بلکه همه گیر تر و عمومی تر بوده و مرزهای نژادی در میان معترضین نقشی نداشته است، پرچم سوخته ای که در دوره آپارتاید در مورد زنان و مادران سفید پوست معترض و تظاهرات های آنان برای تفرقه در میان مردم، و برای مترادف کردن موافق و مخالف آپارتاید با سیاه و سفید پوست کردن آنان توسط بورژوازی الم می شد. اهمیت این دیوار انسانی باز بر خلاف سعی سخنگوهای رنگارنگ بورژوازی که بدنبال ریشه یابی رنگ زرد یا حتی سفید جامه این مادران افتاده اند، دیوار انسانی ...

نه در دلایل انتخاب این رنگ و نه مثلا در نشان دادن تصاویر پدرانی است که با جامه های نارنجی رنگ، در مقابل پلیس فدرال حضور داشتند. تمامی این ها بخشی از تلاش نیروهای متعدد بورژوازی است که تلاش می کنند به هر شکل ممکن اعتراضات این دوره را محدود و محدودتر کنند. نیروهایی از هر فرصتی و از هر امکانی استفاده می کنند که رنگ نژاد، جنسیت، پیر و جوان، زن و یا مادر، طرفدار حزب دمکرات و هزار بانه دیگر را بتراشند تا خصلت عمومی و طبقاتی آنرا محدود کنند.

بر خلاف تمامی این ادعاها، اهمیت این دیوار انسانی مادران در این است که بیانگر یک تسلسل و یک هم پیوستگی تاریخی است که امروز از این راه سربلند کرده است. اعتراضات اخیر در آمریکا، ادامه همان زنجیره ای است که خود را بر فراز تمامی این تقسیم بندی های دست ساخته بورژوازی گسترده و صدای نه بزرگی به کل این شرایط فلاکت بار است. این ادامه همان اعتراضی است که نه صنف و نه نژاد و نه مذهب و نه قومیت و نه ملیت میباشند. این جلوه ای از همان اعتراضی است که فرای تمامی این مرزبندی ها و انقیاد های رسمیت یافته در جامعه سرمایه داری ابراز وجود می کند. همان مقابله ای که در همین چند سال اخیر یکبار با پرچم «پناهنده خوش آمدی» در مقابل سیاست های راست و فاشیستی حاکم از استرالیا تا آمریکا، از لندن تا آتن، در مقابل آوارگان و فراریان از جنگ و بی خانمانی پیا خواست. همان اعتراضی که علیه جنگ و تخریب در صفوف میلیونی خیابان های پایتخت ها و شهرهای اصلی براه افتاد. همان جنبشی که علیه سیاست های ریاضت اقتصادی با نشان جلیقه زردها در فرانسه سرباز زد و ابراز وجود کرد. و باز هم همان اعتراضی است که در مقابل دولت ها و سیاست های حاکم، در مقابل نابودی محیط زیست با پرچم دفاع از حق زیستن همه گیر شد. جنبشی که در دوره اخیر در اعتراض به سیاست های ساختاری شده تبعیض در آمریکا قد علم کرده است، بخشی از همان جنبشی است که خواهان حق زندگی و به رسمیت شناخته شدن آن برای تمامی شهروندان است. همان جنبشی است که وقتی به مرزهای کشیده شده، به تقسیم انسانها به بومی و خارجی، به سیاه و سفید و هر رنگ پوستی، به نژاد، جنسیت و قومیت و مذهب و غیره، میگذارد.

جنبشی که معیاری غیر از انسان و شهروند جامعه ای به وسعت کره زمین را، به رسمیت نمی شناسد و چیزی که قدرت این جنبش را نشان می دهد، همین خصلت پایه ای و انسانی آن است. قدرتی که در مقابل تمامی تقسیم بندی ها حاکم ایستاده است و هر بار با تلنگری، پوسته دیگری از بی عدالتی نظام حاکم را افشا کرده و برای تغییر آن، پا به میدان می گذارد. در حال حاضر، در دنیایی که بی ارزشی جان انسان ها در مقابله با اپیدمی کرونا، بی مسئولیتی و بی اعتباری دولت ها را تجربه کرده است، این اعتراضات مسلمانها هر بار هراتب گسترده تر، سرباز خواهد زد. این دوره، دوره اعلام «نه» اجتماعی و

جهانی به نابرابری و تبعیض عمومی است. دوره ای که طرفداران وضع موجود، لایبست های طرفدار تقسیم بندی ها و تفرقه ها میان مردم، روز به روز بیشتر از گذشته، به نیروهای «خلاف جریان» تبدیل شده و می شوند. و این تازه آغاز راه است.

۲۹ ژوئیه ۲۰۲۰

حق مسکن ...



بنا به تقویم، امروز هشتم مردادماه است و هنوز دولت از پرداخت حق مسکن ماهانه کارگران سر باز میزند. با اخطار قبلی از مواجهه با جزئیات مشمژ کننده و نفرت انگیز توجه به نکات تکمیلی زیر اجتناب ناپذیر است. اولاً، آنچه به عنوان حق مسکن از آن نام برده میشود، جزئی از همان دستمزد حداقل معیشت است که خود به پاره های کوچک تر تقسیم شده است تا بتوان در دالان های پیچیده آنرا انکار و از دسترس دور ساخت. با توجه به اینکه کل دستمزد پایه مصوبه فقط در محدوده نفس زنده ماندن بنا به محاسبه مرکز پژوهشهای مجلس سه تا پنج برابر زیر خط فقر قرار دارد، با توجه به قیمت مسکن، دیگر منت «بخش مسکن» در دستمزدها اگر یک جفنگ بنظر نرسد، در ادامه سناریو محتوای توطئه خود را آشکار میسازد.

ثانیاً، حق مسکن، بر اساس یک وعده وزیر کار، در پروسه مذاکرات کذایی سالانه دستمزدها محاسبه میشود، اما رقم نهایی و واقعی آن بعد از تعیین دستمزدها در یک جلسه دولت تعیین تکلیف میگردد.

در مورد معین سال ۱۳۹۹ ارزش مصرف عنتر چرخانی شورای عالی کار و دایره و دمیک حق مسکن سیصد هزار تومانی وزیر کار در افزایش شش درصد دستمزد پایه، حتی یک روز و باندازه یک پاپاسی دوام نیابرد. مطابق صد و چندمین اخبار درز کرده ممکن است جلسه هیئت دولت در پایان هفته جاری با چهار ماه تاخیر و فقط به این دلیل ساده که «عشقش نکشید» احتمالاً مساله حق مسکن را در دستور بگذارد. در مورد رقم مورد تصویب و آیا به وعده وزیر کار وفادار خواهد بود، هیچ تضمینی وجود ندارد، برعکس، آنچه مسلم است، سه ماه اول سال را در بر نخواهد گرفت.

این سناریو تازگی ندارد. حسن روحانی و سه مصوبه شورای عالی کار و دو سال دوندگی برای حق مسکن چهار هزار تومانی در سال ۱۳۹۳ شهره خاص و عام است. قدر مسلم این است که چنین رفتاری نه با «حق» و نه با «مسکن» و نه با «دستمزد» عمله و اگره و موجب بگیران حکومتی نمیتوان سراغ گرفت. وزیر کار و دولت متبوعه جرات نمیکند کل دستمزد تا چه رسد به حق مسکن را پول تو جیبی به آقازاده حواله بدهد.

همه از دله دزدی دولت میگویند. تعداد موسسات و رسانه های دولتی که برای «افشا» این دله دزدی ها حقوق میگیرند هر روز بیشتر میشود. حق مسکن فقط یک نمونه است. در تمام این سالها پرونده مشابه برای حق سنوات در جریان بوده است. اینها اجفافاتی که مثل خنجر با همه تحقیر و دست درازی بر کالبد ما فرود میآیند، مثل خوره به جان و جسم ما میآفتند. یک لحظه ما را راحت نمیگذارند، هر کدام ما را با دهها درد روبرو میسازند که هنر بزرگ ما در نگه داشتن سر روی این لجنزار باشد. همیشه دست «کمک» و «دلداری» خانه کارگر بسوی کارگر دراز است که تا ضربه بعدی، شکر کن که زنده هستی!

کینه و نفرت تا سر حد انفجار تک تک ما و کل جامعه را گرفته است. تلنباری از بیزاری کافی نیست. حتی اعتراض کافی نیست. ما باید اعتراضات خود را موثر و هدفمند به انجام برسانیم. اعتراض ما باید نیروی عظیم نهفته در کینه و ناراضی کل طبقه ما را بیان کند، تعداد هر چه بیشتری را به میدان بیاورد، در هر قدم به اهداف خود برسد و راه به جلو باز کند. باید قدر هر فرصت اعتراضی را دانست. در مقابل دنیایی نیاز و احتیاجات پرداخت تمام و کمال حق مسکن، خود یک غنیمت است اما ارزش واقعی آن در پس زدن دست کثیف رباکاری دولت و کارفرما است. هیچ کس با به کرسی نشاندن حق مسکن فکسنی، به وضع موجود رضایت نخواهد داد. اما ستیزه جویی بر سر هر ذره حق، راه را برای یک جنبش اعتراضی تعرضی باز میکند. اصلاح این نظام و مناسبات یاهو ای بیش نیست. اما طبقه کارگر نمیتواند در انتظار شورش های موهوم و کور زندگی خود را به هدر بدهد. «حق»، «مسکن» و «دستمزدها» عرصه هایی است که باید مبنای وسیع ترین بسیج و مبارزه جویی در میان صفوف کارگران قرار بگیرد. اعتراض ما فقر و ظلم بطور کلی نیست. امر ما ریشه کن کردن فقر و تباهی و تبعیض است. ما بدنبال انقلاب کارگری هستیم. در این راه، در هر گام طبقه کارگر را یکی پس از دیگری در تجربه تازه ای از لغو نظام مزد بگیر و استثمار شریک میکنیم.



”ما هرچه داریم و نداریم از هیچ روزه ها و ماه محرم و عاشورا“
 ها است، واقعیتی است که همه شان از مجلس و بیت رهبری تا سپاه و وزارتخانه ها و زندان ها و محکمه هایشان، نه تنها به آن واقف اند، که همه تلاش شان حفظ این سرمایه عفونی است که چهل سال توانست مردمی متمدن در ایران را در یوغ نظام کاپیتالیستی ملبس به چرکین ترین و پوسیده ترین جامه های ضدبشری، یعنی اسلام سیاسی، نگاه دارد! اسلامی که در تمام چهل سال حاکمیت انگلی، یک روز هم از حمله قربانیان میلیونی ش در ایران در امان نبوده است. تا جایی که امروز در بن بست بقا، در بن است خلاصی از تعرض قربانیان حکومت فقر و تباهی آن، امروز را به فردا می کند و دنبال راه فرار و بقا است! راه فرار اما در دستان مقام معظم است! این را مدت ها است و پس از خیزش محرومین در دیماه سه سال قبل، همه دستجات حکومتی و همه مهره های اصلاحات و ”ولتر های“ اسلامی و جنبش سبز و دگراندیشان اسلامی، ”سکولار اسلامی ها“ و ”فمنیست اسلامی ها“، رسماً و آشکارا به آن اعتراف می کنند.

یافتن راه فرار در دست مقام معظم است! عزاداری برای حسین و تاسوعا و عاشورا ”از مستحبات است و نه واجبات“ کلید باز کردن راه فرار است! اینجا میدان عمل مقام معظم است که در هیئت فرشتگان آسمانی بر فراز سر رئیس جمهور و مجلس و کل مسئولین نظام به پرواز درآید و اعلام بفرمایند که به خاطر ”کرونا“، حاضرند نظام فداکاری کند و یکی از مهم ترین ارکان ایدیولوژیک حکومت را بعنوان ”مستحبات“ قربانی کند! همه دلچک بازی های آقای رئیس جمهور و ”پاس و پاس کاری“ های موافقین و ”دل نگرانی“ ”واقع بین“ ها، به این خاطر است. یک ماه وقت دارند تا سپر حکومتی و ”گوشه بازی“ در میان خودشان را اجرا کنند و زمینه را برای عقب نشانی مقام معظم آماده کنند! مقام معظم، بعنوان تنها ته مانده سرمایه ایدیولوژیک نظام، قرار است تلاش کند که با سیلی صورت حکومت و ”اقتدار اسلامی“ و مراسم شنیع آن را سرخ نگاه دارد.

واقعیت این است که مدت ها است مهر باطل شد را مردم به ارکان ایدیولوژیک و سیاسی نظام زده اند! امروز در خیابان ها و منازل و مراکز کار و تدریس و در سراسر جامعه، اراجیف اسلامی مورد انزجار و مضحکه خاص و عام است! تقدس پیش کش، حصار و در و دیوار و منبر مساجد و معابد و مراکز مذهبی شان را به سختی و به زور تفنگ و زندان و شکنجه و با گروگرفتن نان و هستی مردم، در مقابل خشم برحق میلیونی مردم، مورد حفاظت قرار می دهند. همین چند هفته پیش بود که مردم افسار نظام در اجرای حکم اعدام فرزندان شورش آبانماه شان را بدست خود گرفتند و آن را مهار کردند!

همه شان میدانند که ”مستحبات و واجبات“ شان همراه خودشان، بدون ماشین سرکوب و فقر و فلاکت و ”برکات کرونا“ برای نظام، حتی یک روز هم نه تنها امکان ابراز وجود ندارد که یافتن پناهگاهی امن برای پنهان شدن از تعرض مردم، برایشان آرزویی دست نیافتنی است! تاریخ مصرف مراسم کشتار شنیع حیوانات در عید قربان، تمام شد! تاسوعا عاشورا آینده بهتری از آن نخواهد داشت.

مهر باطل شد بر این مراسم قرون وسطایی عزا و ”قربانی“ کردن و ”قربانی“ شدن، این مراسم خشونت آمیز و غیرانسانی را اما این فاجعه کرونا نیست که بر آن زده است! مقدم بر آن میلیونها قربانی حکومتی که با حربه اسلام فلسطین و عراق و ایران و خاورمیانه و جهانی را به منجلاب تروریسم اسلامی کشاند، کمر آن را خم و آن را به لبه پرتگاه سقوط کشاندند! کرونا تنها این سیر را برای قربانیان پردرد تر و پرهزینه تر کرده است!

۲۰ ژوئن ۲۰۲۰

۸ مرداد ۱۳۹۹

*Which side are you on boys
 Which side are you on
 Which side are you on boys
 Which side are you on
 My dady was a miner
 And Im a miners son
 He'll be with you fellow workers
 Until this battle's won*

**قدرت طبقه کارگر در
 اتحاد اوست؛ کارگران
 جهان متحد شوید!**

hekmatist.com



تماس با حزب

تلگرام حزب @Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

دبیر کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتک

سر دبیر: فواد عبداللهی